دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

سال بیست‌ودوم، شماره‌ی ۷۷
بهار ۱۴۰۱، صفحات ۷۹-۵۷

DOI:10.52547/GeoSpa.22.1.57

حمید شایان[۱]
*حمدالله سجاسی قیداری[۲]
امین فعال جلالی[۳]

بررسی و تحلیل دلایل عدم سرمایه گذاری سرمایه داران در زادگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: فعالان صنعت قالیبافی شهرستان مشهد)

تاریخ دریافت: ۱۱/ ۱۳۹۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

چکیده

روستاها امروزه منشاء مهاجرت شده‌اند و اغلب مهاجران دلیل مهاجرت را سطح درآمدهای پایین و نبود فرصت‌های شغلی بیان می‌کنند. در این میان سرمایه‌دارانی با منشاء روستایی در شهرها وجود دارند که در گذشته بیش‌تر با زادگاه روستایی خود در ارتباط بوده و اغلب در زمینه‌هایی با پتانسیل روستای خود سرمایه‌گذاری می‌کردند. حوزه فرش از جمله آن‌ها بود که سرمایه‌داران روستایی ساکن در شهرها از آن استقبال می‌کردند؛ اما امروزه به دلایل متعدد سرمایه‌داران کم‌تر علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در روستاها می‌باشند. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی دلایل عدم تمایل بازگشت سرمایه‌داران با ریشه‌های روستایی به زادگاه روستایی و سرمایه‌گذاری در روستا می‌باشد. برای این منظور فعالان صنف قالیبافان با ریشه روستایی ساکن در شهر مشهد به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. روش‌شناسی تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده و به‌منظور گردآوری داده‌ها از روش‌های کمی (پرسشنامه و مصاحبه) استفاده شد. به‌صورت حضوری پس از مراجعه به روستاهای دارای فعالیت در حوزه قالیبافی در شهرستان مشهد اقدام به شناسایی سرمایه‌دارانی گردید که قبلا سرمایه خود را در روستا به‌کار می‌بستند اما اکنون با توجه به مشکلات در شهر

۱- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
*۲- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول). E-mail: ssojasi@um.ac.ir
۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

مشهد متمرکز شده‌اند. لذا با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی ۲۵ نفر از فعالان با پیوندهای روستای، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین از روش تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون تی برای تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد موانع زیادی بر سر راه توسعه سرمایه‌گذاری صنعت قالی‌بافی روستایی وجود دارد که حکایت از گستردگی مشکلات بر سر راه این صنعت در نواحی روستایی و عدم توان رقابت با نواحی شهری می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان داد عواملی مانند نبود نیروی متخصص بازاریاب جهت جذب مشتری و دسترسی ضعیف به بازار فروش نسبت به شهر، نبود زیرساخت‌های لازم و نبود فناوری پیشرفته در روستاها به‌عنوان عوامل موثر بر عدم سرمایه‌گذاری در روستای زادگاه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اقتصاد روستایی، سرمایه‌گذاری اقتصادی، بازگشت سرمایه، چالش‌های سرمایه‌گذاری، نواحی روستایی، صنعت قالیبافی.

مقدمه

سرمایه به‌عنوان یک اصل مهم در تولید و رشد اقتصادی هر جامعه‌ای پذیرفته شده است و نبود آن اختلال فرآیند توسعه و کاهش رفاه عمومی را به دنبال خواهد داشت (Dawson, 2006: 491). سرمایه‌گذاری یکی از عمده‌ترین فعالیت‌هایی است که حول محور اقتصاد شکل گرفته و بازخورد آن در ابعاد گوناگون اقتصادی و اجتماعی اثرگذار است (Cortes & Pulina, 2006: 3). در این راستا یکی از مکان‌هایی که سرمایه‌گذاری می‌تواند رونق فعالیت‌های اقتصادی را به همراه داشته باشد، سطوح خرد محلی است. به همین منظور اغلب جوامع محلی و روستایی در پی جذب سرمایه نقدی از منابع گوناگون (دولت، سرمایه‌گذاران خصوصی) هستند (Morrissey & Udomkerdmongkol, 2012: 439). به‌کارگیری سرمایه و ابزارهای تأمین مالی در نواحی روستایی به‌ویژه بین کشورهای درحال توسعه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این نواحی تبدیل شده است. به دنبال اهمیت این موضوع، رشد سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه از رقم ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳، به ۱/۳ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ و ۱/۷ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسیده است (UNDESA[4], 2011). نواحی روستایی با توجه به دارا بودن تعداد زیادی از مشکلات و نبود منابع مالی و سرمایه‌ای جهت راه‌اندازی کسب‌وکار، در محدودیت می‌باشند و توانایی جذب سرمایه از منابع بیرونی را ندارند (Poorfathi & Ashri Imam, 2010: 96). چراکه به دلیل نارسایی‌های موجود سرمایه‌داران تمایل به سرمایه‌گذاری در این نواحی را ندارند و بیش‌تر منابع پولی خود را در شهرها سرمایه‌گذاری می‌کنند (Ferrando & Ruggieri, 2018: 3). از طرفی دیگر فقدان منابع سرمایه‌ای در روستاها به دلیل اهمیتی که در بهبود متغیرهای اقتصادی (افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر، کاهش تورم و...) دارند، می‌تواند آسیب‌های زیادی را در پی داشته باشد (Almasi & Gharehbaba, 2009:

4- United Nations Department of Economic and Social Affairs

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

160)؛ اما با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری، نواحی روستایی طی دهه‌های اخیر علیرغم پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و موقعیت استراتژیکی که دارند، جایگاه بسیار پایینی از نظر جذب سرمایه نقدی در برابر نواحی شهری به‌خود اختصاص داده‌اند و بیش‌تر سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام شده در بازه زمانی محدود و از سوی دولت بوده و با شکست و عدم کارایی مفید روبرو هستند (Hu et al., 2018: 732) و یا عمدتا سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط دولت‌ها متمرکز بر جنبه‌های زیرساختی و خدمات عمومی در روستاها می‌باشد. از طرفی دیگر به‌دلیل جذابیت‌های شهری و نبود محدودیت‌های مربوط به انتقال سرمایه، اغلب سرمایه‌های روستایی نیز در طول دهه‌های گذشته از روستاها خارج شده‌اند. تاکنون مطالعات متعددی در ارتباط با جریان‌های سرمایه‌گذاری انجام شده است که از جمله آن‌ها موارد زیر می‌باشد. در بررسی ۵۳ کشور توسعه یافته نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی متأثر از ریسک سلب مالکیت، درجه آزادی شهروندی، بروکراسی، تروریسم سیاسی، فساد و عدم پایبندی به قراردادها بستگی دارد (Poirson, 1998). همچنین در این بررسی مشخص شد متغیرهای غیراقتصادی همچون رهبری سیاسی، خطر جنگ داخلی، دیوان‌سالاری، بی‌اعتنایی به قراردادها به وسیله دولت و خطر سلب مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی دارد. همچنین نتایج پژوهش Ghali (1998) نشان داد که سرمایه‌گذاری دولتی اثر منفی در بلندمدت بر رشد و سرمایه‌گذاری خصوصی دارد اما در کوتاه‌مدت این سرمایه‌گذاری از سوی دولت بر رشد سرمایه‌گذاری خصوصی اثر مثبت داشته است. نتایج مطالعه دیگر نشان داد که متغیرهای اقتصادی مورد استفاده در مدل (سرمایه‌گذاری دولت، اعتبارات، نرخ مبادله و....) روی رفتار سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور فیجی نسبت به عوامل دیگر تأثیر کم‌تری دارد و عوامل اصلی بازدارنده سرمایه‌گذاری شامل عوامل سیاست‌گذاری مانند قوانین و مقررات دولت، موقعیت سیاسی، هزینه‌های آب و برق (خدمات) و نبود نیروی کار ماهر است (Seruvatu & Jayaraman, 2001). همچنین پژوهشی دیگر بیانگر آن بود که متغیرهای اقتصادی مورد استفاده در مدل (سرمایه‌گذاری دولت، اعتبارات، نرخ مبادله و ...) روی رفتار سرمایه‌گذاری، نسبت به عوامل دیگر تأثیر کم‌تری دارد و موانع اصلی سرمایه‌گذاری شامل عوامل سیاست‌گذاری، مانند قوانین و مقررات، موقعیت سیاسی و جغرافیایی، هزینه‌های کاربردی ارائه خدمات و نبود نیروی ماهر می‌باشد (Mattingly, 2001). Moosa (2002) در تحقیق خود نشان داد که سه متغیر نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، شبکه خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر و ریسک سرمایه‌گذاری در کشور استرالیا، ارتباط معنی‌داری با جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها دارد. نتایج پژوهشی دیگر نشان داد دلایل اصلی زنان روستایی کشور ترکیه برای ادامه فعالیت فرش‌بافی، علاوه بر ویژگی‌های جسمانی عمدتا مشوق‌های اقتصادی مثل سرمایه‌گذاری، اعطای وام و کمک دولت می‌باشد (Ann Berman, 2006). در سال ۲۰۰۱ تحقیق دیگری انجام شد که نشان داد زنان بافنده در سطح کوچک و محلی ایالت راجستان با مشکلات بسیاری از جمله عدم دسترسی به بازارهای جهانی، نداشتن پس‌انداز مالی، محدودیت درآمد، عدم تقاضا برای خرید و ناتوانی برای خرید مواد اولیه روبه‌رو هستند (Babel & Gupta, 2001). در بررسی دیگر که دو دوره زمانی فعالیت‌های تجاری در تعدادی از کشورها مورد مقایسه قرار گرفت، نتایج نشان

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

داد که کشورهایی که سیستم‌های تجاری باز دارند و با سایر کشورها ارتباط اقتصادی برقرار کرده‌اند، متوسط رشد سالانه آن‌ها ۲ درصد بالاتر از قبل از دوران آزادسازی تجاری می‌باشد و میزان سرمایه‌های مالی آن‌ها افزایش پیدا کرده است (Wacziarg & Horn Welch, 2008). محققی دیگر در تحقیق خود با بررسی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۱۰ کشور در آسیا و چگونگی سیاست‌های این دولت‌ها بیان کرد که اندازه بازار، هزینه نیروی کار، نسبت ثبت نام شدگان دوره متوسطه، بدهی خارجی و مصرف برق، عوامل موثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد (Banga, 2009). در تحقیقی مشابه که به بررسی مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه پرداخت، موانع به ۲ دسته رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی گردید. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده مهم‌ترین موانع رسمی سرمایه‌گذاری در کشورهای مورد مطالعه شامل محدودیت حساب سرمایه، موانع قانونی، مشکلات نظام مالیات ستانی و موانع غیررسمی شامل ریسک‌های سیاسی، نهادها، عدم حاکمیت قانون، فساد اداری، عدم ثبات اقتصادی و ریسک‌های ارزی بود. در مجموع دو دسته موانع رسمی و غیررسمی معرف میزان ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف می‌باشند (Baum & Claudia, 2010). در مطالعه‌ای در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی عربستان نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همراه با متغیرهای مرتبط با ساختار بازگشت سرمایه، درجه باز بودن اقتصاد و فضای اقتصادی نیز به‌عنوان عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری داخلی، اثر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته و بین ناامنی سیاسی و اجتماعی با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه معناداری برقرار شده است (Abdel Rahman, 2012). نتایج مطالعه‌ای دیگر نشان داد که در بین عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری، آموزش و باز بودن اقتصاد از عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که خود تابع متغیر بازار، جمعیت و رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی می‌باشد؛ به عبارت دیگر متغییرهای بازار، جمعیت و رشد حقیقی اقتصاد دارای نقش تعیین‌کننده بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشند (Montague, 2012). همچنین نتایج گزارش سرمایه‌گذاری جهانی بیانگر آن است که بسیاری از شرکت‌ها و موسسات کوچک با موانع متعددی سرمایه‌گذاری از جمله اقتصادی، شرایط محیطی و طبیعی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عدم توانایی پذیرش فناوری‌های جدید و عدم اختصاص صحیح منابع به بخش‌های تولیدی موثر روبه‌رو هستند (UNDESA, 2011). در رابطه با مشکلات سرمایه‌گذاری، پژوهش دیگری به این نتایج دست یافت که مشکل سرمایه‌گذاری داخلی در بخش نوآورانه اقتصادی حال حاضر بسیار حاد است، با توجه به این‌که سرمایه‌گذاری توسعه اقتصادی را تعیین می‌کند اما در حال حاضر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه نوآوری کارایی زیادی نداشته و موانع سرمایه‌گذاری، مانع بسیاری از نوآوری را در زمینه‌های تولیدی شده است (Barnett et al., 2015). نتایج مطالعه‌ای دیگر، مشکلات صنعت فرش هند را شامل فقدان فرهنگ ارتقا فناوری، خلاء وجودی کارگران با کیفیت و آموزش دیده، عدم، وجود فرصت‌های مهارت‌آموزی کارگران، مشکلات مربوط به تأمین خدمات، بی‌سوادی بافندگان، عدم توان مالی کافی، روش‌های تولید سنتی، کیفیت پایین مواد خام، اطلاعات نادرست در مورد بازار، عدم دسترسی بافندگان به بازارهای آنلاین، فقدان تشکل‌های تولیدی فرش و حمایت ناکافی

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

دولت‌های محلی و مرکزی دانسته است (Jadhav, 2015). نتایج مطالعه‌ای دیگر در این راستا نشان داد که سرمایه جذب شده از منابع بیرونی در مناطق محلی، منجر به رشد فعالیت‌های صنعتی و بازسازی آن‌ها شده و فشارهای اقتصادی را در این مناطق کاهش داده است و زیرساخت‌ها را در بخش‌های مختلف خدماتی تقویت کرده است (Rysera et al., 2018). در مطالعه‌ای دیگر نتایج بیانگر آن بود که سرمایه‌گذاری‌های عمومی در حوزه‌های کشاورزی و زیرساخت‌های روستایی بازده قابل توجهی در توسعه زیرساخت‌ها، کاهش فقر و نابرابری منطقه‌ای و افزایش تولید ناخالص به دنبال داشته است. همچنین این مطالعه نشان داد که آموزش به‌عنوان یکی از زمینه‌هایی بوده که در صورت عدم توجه به آن، به مانع بزرگی برای استفاده بهینه از سرمایه‌های وارد شده تبدیل می‌گردد (Fan et al., 2018).

بررسی تحقیقات مذکور حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی با موانع و چالش‌های زیادی روبه‌رو است؛ اما تاکنون به‌صورت ویژه به بازگشت سرمایه به محیط‌های روستایی پرداخته نشده است که این مطالعه متمرکز بر صنعت قالی‌بافی می‌باشد؛ زیرا در دهه‌های قبل اغلب سرمایه‌داران روستایی مهاجرت کرده به شهرها، با روستاهای زادگاه خود در ارتباط بوده و در بخش‌هایی از آن مانند قالیبافی سرمایه‌گذاری می‌کردند (Qasemi Ardhai & Thawabi, 2019: 199). به دلیل این‌که یکی از مهم‌ترین صنایعی که از دیرباز در روستاها وجود داشته، صنعت قالیبافی هست که در بیش‌تر روستاهای خراسان رضوی و بالاخص شهرستان مشهد وجود دارد. قالیبافی در روستاهای استان خراسان رضوی یکی از کهن‌ترین فعالیت‌های اقتصادی به‌شمار می‌آید؛ که به‌طور سنتی در نواحی روستایی رواج بیش‌تری داشته است. این صنعت علاوه بر برخورداری از اهمیت اقتصادی، از نظر هنری و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی فرهنگ بومی نیز دارای اهمیت زیادی است. صنعت قالیبافی با توجه به پیوندهای طولانی مدت در این حرفه، قابلیت اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده بالایی در نواحی روستایی دارد. ولی شواهد نشان می‌دهد جایگاه صنعت قالیبافی در روستاهای استان دچار تنزل شده است. در این راستا، موانع و مشکلات سرمایه‌گذاری در این صنعت به‌عنوان مهم‌ترین دلایل کاهش رونق قالیبافی و عدم تمایل سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی می‌باشد؛ زیرا در گذشته برخی از سرمایه‌داران شهری در صنعت قالی‌بافی روستایی از طریق راه اندازی کارگاه‌های تولید گروهی فعالیت می‌کردند که تعداد آن‌ها بسیار کاهش یافته است. از طرف دیگر خود سرمایه‌داران روستایی که امروزه در شهر ساکن شده‌اند نیز حتی تمایل به سرمایه‌گذاری در روستاها به‌ویژه در صنعت قالیبافی ندارند. لذا این تحقیق به دنبال این مسئله است که دلایل عدم سرمایه‌گذاری، سرمایه‌داران روستایی ساکن در شهرها در صنعت قالیبافی روستایی کدامند؟

مبانی نظری

در طول تاریخ روابط اقتصادی عمیقی بین شهرها و روستاها برقرار بوده است. در هر دوره‌ای تاریخی و قلمرو جغرافیایی نیز این رابطه دارای ویژگی‌های خاصی بوده است. از جمله نظریات تبیین کننده جریان سرمایه بین شهرها

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

و روستاها نظریه سرمایه‌داری بهره‌وری سرمایه‌ای هانس بوبک[5] می‌باشد. سرمایه‌داری بهره بری عبارت از یک مرحله تکاملی مستقل میان مرحله جامعه زراعی سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و مرحله سرمایه‌داری تولید است Saeedi & Makaniki, 2008: 4). بوبک در تبیین نظریه مراحل شکوفایی اجتماعی اقتصادی جوامع، یعنی مرحله عناصر شهری قدیمی و سرمایه‌داری بهره‌بری می‌رسد، شهرهای شرقی را به‌عنوان مصادیق اصلی این مرحله می‌داند. تعبیر وی از اقتصاد شهری در شهرهای شرقی، اقتصادی است مبتنی بر مالکیت که از ائتلاف و ارتباط تنگاتنگ در منافع مشترک بین حکومت و شهر از طریق تملک و تصاحب بهره یا رانت در فعالیت‌های کشاورزی و پیشه‌وری به‌دست می‌آید و از طریق تجاری کردن این بهره، نوعی سرمایه‌داری به‌وجود می‌آید که وی آن را سرمایه‌داری بهره بری می‌نامد (Ehlers, 1998: 313). این نظریه بر پایه شناختی کلی از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شرق اسلامی تدوین شده است و تلاش می‌نماید که مناسبات وابستگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی را تبیین نماید. اهلرس به عنوان شارح نظریه بوبک می‌گوید: نحوه دریافت حق مالکانه از محصول در عرصه روستایی و انتقال آن به مراکز شهری، یعنی محل زندگی زمین‌داران بزرگ، از ویژگی‌های بنیادی ساختار اجتماعی اقتصادی سرزمین‌های شرق اسلامی است و عمده سرمایه‌داران بزرگ در شهرها ساکن هستند (Saeedi & Makaniki, 2008: 3). بهره‌کشی اصل مهم حاکم بر روابط و مناسبات بین این شهرها و حوزه نفوذ آن‌هاست. شهر از نواحی روستایی دریافت می‌کند، بی‌آنکه چیزی پس بدهد. بدین معنی که شهر نظیر زالو یا انگل منطقه نفوذ روستایی‌اش را می‌مکد. زمین‌داران و سایر بهره کشان شهری در روستاها یا سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و یا اگر می‌کنند برای استثمار بیش‌تر روستائیان است. ایستایی و رکود جوامع روستایی خاورمیانه ناشی از همین مناسبات سرمایه‌داری بهره‌بری است (Rahnamaei, 1994: 19)). مطابق این نظریه مازاد اقتصادی و تولیدی جوامع روستایی از طریق پیش‌فروش محصولات تولید شده به دلالان و تجار شهری در برابر دریافت اعتبارات نقدی (وام) و غیرنقدی به شهرها منتقل می‌شود و پیامد این‌گونه وام‌دهی عبارت از وابستگی اجتماعی و اقتصادی به صور گوناگون میان روستا و شهر است. مطابق نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک؛ در برخی نقاط روستایی به دلیل وجود مشکلات و نبود زمینه‌های سرمایه‌گذاری در این نواحی و ایجاد درآمدی پایدار، فعالیت‌های اقتصادی خود را در شهرها و یا حومه آن‌ها گسترش می‌دهند تا ضمن دسترسی به خدمات و امکانات بیش‌تر، به بازار فروش نیز دسترسی پیدا کنند. این نظریه نشان می‌دهد که روستاها در دوران جدید محل فرار سرمایه و شهرها محل تجمع سرمایه‌ها می‌باشند. اما باید در نظر داشت که توسعه روستایی بدون برخورداری از سرمایه‌های مالی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ زیرا تامین معیشت و برخورداری از اشتغال مناسب از زیربنای زندگی انسانی و نیازهای اساسی می‌باشد.

امروزه توسعه نواحی روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهدافی است که توسط عمده‌ای از کشورها دنبال می‌شود و افزایش عوامل تولید برای رسیدن به اهداف پایداری همواره مدنظر کشورها بوده است (Cuyvers et al., 2011: 225). در حال حاضر با توجه به مشکلات اقتصادی حاکم بر روستاها به‌ویژه در بین کشورهای درحال‌توسعه،

5- Hans Bobek

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

موضوع سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی مورد توجه قرار گرفته است (Abrell & Rausch, 2016: 88)؛ اما با توجه به اهمیت سرمایه و منابع مالی در حال حاضر، سرمایه‌گذاران عمدتا در روند سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی، عوامل و مولفه های متعددی را در نظر می‌گیرند، زیرا فرآیند سرمایه‌گذاری در محیط‌های روستایی عمدتا ناایمن و ممکن است بازدهی سودآوری را نصیب سرمایه‌دار نکند، چراکه تمرکز اصلی سرمایه‌گذاری بر مکان‌هایی است که دارای شرکت‌ها و موسسات مختلف در زمینه تولید محصولات و خدمات متنوع و با تکنولوژی بالا است که عمده این مکان‌ها در نواحی صنعتی و شهری متمرکز شده‌اند (Bettignies & Brander, 2007: 812). گردآوری سرمایه مالی به لحاظ نظری یکی از پیش نیازهای اساسی فرآیند رشد اقتصاد روستایی به شمار می‌رود که می‌تواند از منابع مالی داخلی (سهام‌های دولتی، سرمایه‌داران عمده و ...) و منابع مالی خارجی تأمین شود و در توسعه به‌شدت مورد توجه قرار گیرد (Ryser et al., 2018: 3, Beck, 2002: 113).

سرمایه‌گذاری در یک تعریف کلی عبارت از کاربرد سرمایه برای تولید درآمد جدید است. در واقع ذخیره سرمایه از طریق تأخیر در استفاده از آن نیز سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. تعاریف متنوع دیگری نیز از سرمایه‌گذاری وجود دارد که بر اساس نظر اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری به معنای استفاده از منابع به‌منظور افزایش درآمد یا تولید در آینده است (Nelsen et al., 2010: 166). سرمایه‌گذاری برحسب موضوع به دو دسته سرمایه‌گذاری واقعی و سرمایه‌گذاری مالی تقسیم می‌شود. در سرمایه‌گذاری واقعی، سرمایه‌گذار در ازای سرمایه خود کالایی واقعی را به دست می‌آورد؛ نظیر خرید ملک یا ساختمان در سرمایه‌گذاری مالی، سرمایه‌گذار درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری را به شکل وجه نقد دریافت می‌کند؛ نظیر سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار مثل سهام عادی یا اوراق مشارکت که فرد در ازای پرداخت پول، محقق به دریافت جریانی از وجوه نقد به شکل سود می‌شود (Varsakelis et al., 2011: 15). در زمینه طرح‌های شهرداری، سرمایه‌گذاری به معنای به کار گرفتن سرمایه در اجرای طرح‌های شهرداری‌ها برای دست یافتن به درآمد یا افزایش سرمایه است (Edmiston & Gillett-Fisher, 2006: 5). در نظریه کینز نیز، سرمایه‌گذاری به کارایی نهایی سرمایه نسبت به نرخ بهره هزینه فرصت منابع سرمایه‌گذاری شده بستگی دارد و سرمایه‌گذاری واقعی تا آن حد صورت می‌گیرد که نرخ بازده نهایی بالاتر از نرخ بهره بازار شود. نظریه شتاب، سرمایه‌گذاری را یک نسبت خطی از تغییرات تولید در نظر می‌گیرد. بر اساس این نظریه با وجود نسبت رشد سرمایه به محصول، محاسبه سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای حصول مقدار مشخصی از تولید ساده خواهد بود. در این مدل انتظارات، سودآوری و هزینه‌های سرمایه نقش ندارند (Blonigen, 2005: 390).

با توجه به نقش نواحی روستایی در ایجاد اشتغال، توسعه پایدار، حفظ محیط‌زیست، تامین استقلال و امنیت غذایی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی–اجتماعی فراروی عصر کنونی به‌شمار می‌آیند. بخش روستایی در اقتصاد ایران به جهت تاثیر فراگیری که می‌تواند در کلیه زمینه‌های یاد شده داشته باشد، از جایگاه مهمی برخوردار است. سرمایه و اعتبار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید، اهمیت به سزایی در افزایش سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی و افزایش بهره‌وری عوامل تولید دارد و در نتیجه عنصری کلیدی در رشد و توسعه این بخش محسوب می‌شود

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

(Marouane et al., 2008: 1). علاوه بر سرمایه‌گذاری کارآمد وجود یک بازار مالی کارآمد که نیازهای مالی روستاییان را با هزینه مبادله نسبتا پایین تامین نماید، از جمله پیش نیازهای بنیادی توسعه این بخش به‌شمار می‌رود. جایگاه نواحی روستایی در اقتصاد تولیدی بالغ بر ۲۵ درصد ارزش صادرات غیرنفتی دارد و سهم زیادی از اشتغال، تامین مواد اولیه، تولیدات غذایی، صنایع تبدیلی کشاورزی و بخشی از تولید ناخالص داخلی را به‌خود اختصاص داده است (Vafa & Memarzadeh, 2014: 4).

به‌طور کلی در زمینه موانع اساسی عدم انگیزه برای سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی می‌توان به عواملی از جمله عدم امنیت سرمایه‌گذاری در سطح اقتصاد کلان و کمبود زیربناهای مناسب برای توسعه این بخش، انتقال اعتبارات روستایی از طریق رانت اعتباری به جهت پایین بودن نرخ سود تسهیلات به سایر بخش‌های اقتصادی به‌ویژه بخش‌های غیرمولد که دارای سودآوری بالاتری نسبت به این بخش‌اند، عدم توانایی بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی در جذب سرمایه‌گذار، نبود سیستم نظارتی، تخصیص نامتناسب وام‌های کارآفرینی و خوداشتغالی در جهت ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در روستا در پروسه زمانی کوتاه‌مدت، فقدان ابزار مالی مناسب جهت تامین مالی طرح‌های میان‌مدت و بلندمدت، کمبود سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی مطلوب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تولید تجاری در این بخش، عدم مدیریت صحیح در شناسایی زمینه‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاری، بالا بودن هزینه‌های جاری و سایر هزینه‌های بخش ارتباطات و حمل‌ونقل، عدم وجود بازارهای مالی و اعتباری و ... اشاره داشت (Dunning & Lundan, 2008: 35). کشورهای در حال توسعه، از درجه بالایی از نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی برخوردار هستند. رشد، تورم، نرخ ارز و سایر متغیرهای مهم کلان نسبت به اقتصاد کشورهای صنعتی بیش‌تر در معرض نوسان هستند و اثرات این نوسانات محیط نااطمینانی را برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری در نواحی محلی و کوچک ایجاد می‌کند. موضوع سرمایه و سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی به دلیل تسلط بخش‌های شهری و بالا بودن ریسک، همواره با مشکلات فراوانی همراه بوده و به همین دلیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی در این نواحی، نوسان‌های شدیدی داشته است. ساکنان نواحی روستایی با توجه به پیشینه بالای زندگی در روستا و قومیت‌های گوناگون، از دانش بومی بالایی در کسب‌وکارها برخوردار هستند و این در کسب‌وکارهای آن‌ها و توسعه روستاها بسیار اثرگذار است (Chambers, 1997: 1746)؛ بنابراین شکوفایی اقتصادی روستاها از طریق تعامل اقتصادی با شهرها و جریان متعادل سرمایه امکان‌پذیر می‌باشد. در ساختارهای جدید شهرها می‌توانند تأمین کننده سرمایه برای فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در روستاها باشند. یکی از زمینه‌ها مناسب برای این هدف، ترغیب سرمایه‌داران شهری با منشاء روستایی می‌باشد که می‌توانند در روستاها زادگاه خود سرمایه‌گذاری کنند. برای این منظور شناخت موانع و محدودیت‌های هدایت سرمایه‌های شهری به نواحی روستایی و فعالیت‌های تولیدی از ضرورت‌های اساسی فعال‌سازی اقتصاد روستایی می‌باشد؛ زیرا صرفا توسعه روستایی از طریق سرمایه‌های دولتی امکان‌پذیر نبوده و نیازمند فعال‌سازی بخش خصوصی و سرمایه‌داران محلی برای فعالیت در اقتصادهای روستایی می‌باشد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

مواد و روش‌ها

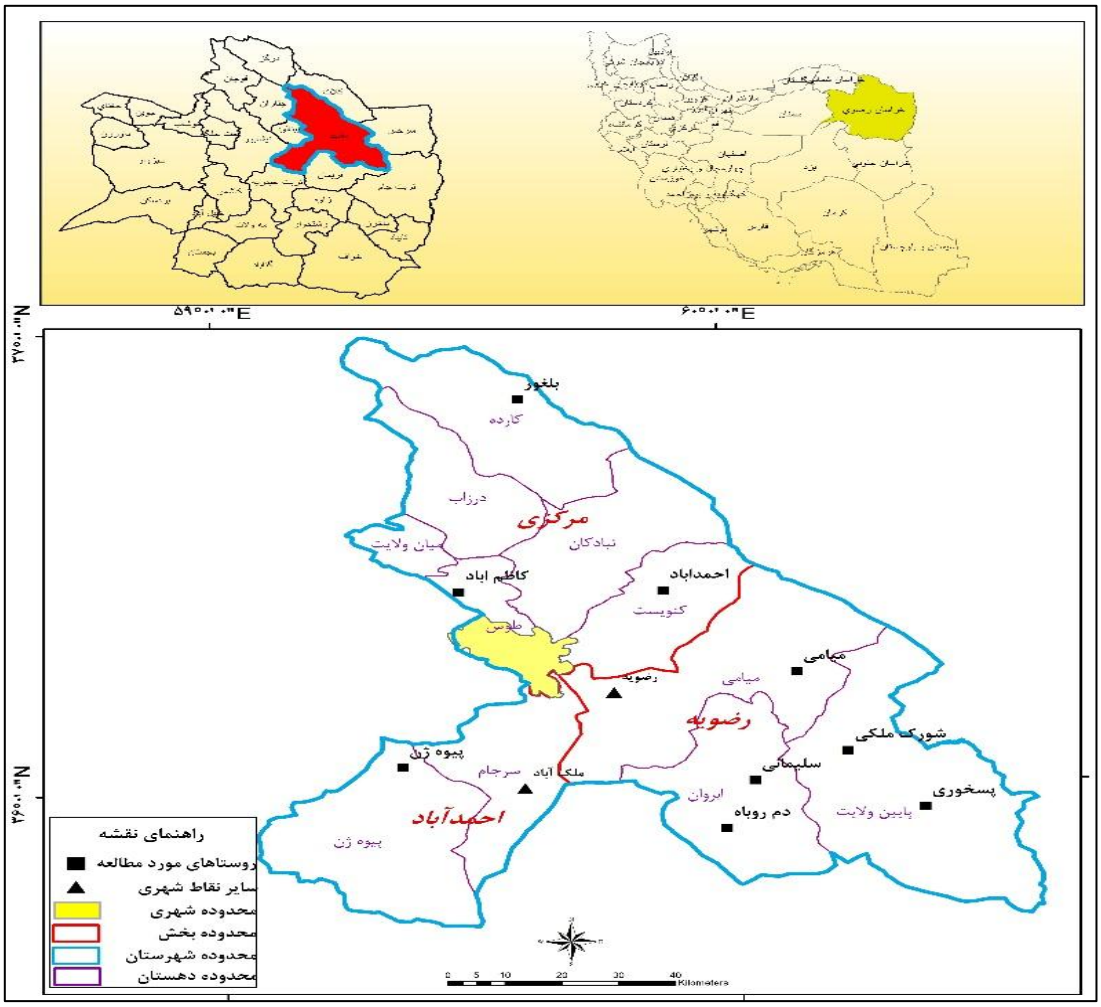
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و به لحاظ روش‌شناسی توصیفی و تحلیلی است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه و مصاحبه) با استفاده از روش گلوله برفی[6] تا حد اشباع می‌باشد. مطالعات اکتشافی نشان می‌دهد در بخش روستایی شهرستان مشهد در مجموع تعداد ۱ اتحادیه با ۱۵۰ نفر اعضا وجود دارد که در مجموع ۲۵۰ نفر قالیباف وجود دارد؛ اما در شهر مشهد تعداد ۳۳ اتحادیه با ۹۶۰ نفر از اعضا وجود دارد که بالغ بر ۱۴۷۴۷۶۹ هزار ریال سرمایه‌گذاری انجام شده که در مجموع برای ۶۰۰ نفر اشتغال‌زایی ایجاد گردیده است (Amanian Beidakhti & Sadeghinia, 2015: 108)؛ بنابراین، جامعه آماری این پژوهش را سرمایه‌گذاران با ریشه‌های روستایی در صنعت قالیبافی در شهر مشهد واقع در استان خراسان رضوی تشکیل می‌دهد که سرمایه اصلی خود را در زمینه صنعت قالیبافی عمدتا در شهر مشهد متمرکز کرده‌اند (به‌عنوان افراد سرمایه‌دار). بدین منظور، تعداد ۲۵ نفر از سرمایه‌داران در این صنعت که در شهر مشهد به این صنعت مشغول بودند شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است. به‌منظور تعیین حجم نمونه‌ها ضمن پرس‌وجو و شناسایی فعالان حوزه صنعت قالیبافی در شهر مشهد، صاحبان کسب‌وکاری که در ابتدای کار فعالیت خود را در روستا راه‌اندازی کرده‌اند و پس از آن با توجه به مشکلات و نارسایی‌ها و جذابیت پایین توسعه سرمایه‌گذاری، اکنون عمده سرمایه‌گذاری‌شان را در شهر متمرکز کرده‌اند، هدف اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، واحد تحلیل در پژوهش حاضر سرمایه‌داران صنعت قالیبافی در شهر مشهد می‌باشد که با توجه به این‌که دارای ریشه‌های روستایی هستند، اما سرمایه نقدی و اولیه خود را در شهر سرمایه‌گذاری کرده‌اند و به‌نوعی تمایل به سرمایه‌گذاری در روستای اولیه زندگی خویش را ندارند. روایی پرسشنامه تحقیق، پس از چند مرحله حک و اصلاح، مورد تایید کارشناسان و اساتید صاحب نظر قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به‌دست آمد که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تحقیق است. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق با توجه به مطالعات اکتشافی و میدانی به روش تحلیل عاملی اکتشافی تدوین گردید. در نهایت ۵۰ عامل موثر بر عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران باریشه‌های روستایی در زمینه صنعت قالیبافی در روستاهای اولیه محل زندگی که بیش‌تر از روستاهای پیوه ژن، بلغور و کاظم آباد، دم روباه، سلیمانی، احمدآباد، پسخوری، میامی و شورک ملکی بودند شناسایی شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه بوده است. به نحوی که پس از شناسایی سرمایه‌داران صنعت قالیبافی در شهر مشهد ابتدا از طریق مصاحبه با افراد مهم‌ترین دلایل عدم سرمایه‌گذاری در خواستگاه روستایی اولیه زندگی خود شناسایی شد و پس از آن به‌منظور تکمیل اطلاعات پرسشنامه‌ای محقق ساخته در همین راستا در اختیار جامعه نمونه قرار گرفت. همچنین ارزش‌گذاری داده‌ها با استفاده از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی‌کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی‌زیاد) انجام شد. در نهایت به منظور شناسایی عوامل موثر بر عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران صنعت قالی در نواحی روستایی، از

6- Snowballing Sampling

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

آزمون تحلیل عاملی اکتشافی و طی تک نمونه‌ای از لحاظ مقایسه میانگین عوامل شناسایی شده استفاده گردیده است.



شکل ۱: محدوده روستاهای مورد مطالعه

Figure 1: Area of the studied villages

یافته‌ها و بحث

بررسی‌های توصیفی نشان داد که تمام پاسخگویان را مردان تشکیل می‌دهند که از این بین ۰/۷۶ درصد متأهل و ۰/۲۴ درصد مجرد می‌باشند. از نظر گروه سنی مشخص شد ٤٦٪ افراد در گروه سنی ۳۰ الی ٤۰ سال، ٤۰٪ در گروه سنی ٤۰ تا ۵۰ سال، ۱۲٪ در گروه سنی بالای ۵۰ سال و ۲٪ در گروه سنی کم‌تر از ۳۰ سال قرار دارند. به لحاظ سطح تحصیلات نیز ٤۹٪ درصد از نمونه‌ها دیپلم و کم‌تر، ۳۵٪ دارای مقطع لیسانس، ۱۵٪ دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر از آن هستند. همچنین مشخص شد که سرمایه‌داران این صنعت دارای پیشینه طولانی سکونتی در روستا هستند که این پیوند ارتباطی همچنان برقرار است، ولی فعالیت‌های کارآفرینانه و سرمایه خود را عمدتا در

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

شهر متمرکز کرده‌اند. از نظر سابقه فعالیت، ۵۰٪ از افراد بیش از ۱۵ سال سابقه و ۳۰ درصد از بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۲۰ درصد افراد بین ۵ تا ۱۰ سال در زمینه صنعت قالیبافی فعالیت داشته‌اند. در جدول (۱) به‌منظور شناسایی و تأثیر هر یک از ۵۰ دلیل شناسایی شده عدم بازگشت سرمایه‌داران با ریشه روستایی به خواستگاه خود از آزمون T-test تک نمونه مستقل استفاده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میزان معناداری در تمام مولفه‌ها، کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد که این به معنای تأثیرگذار بودن عوامل ذکر شده در عدم بازگشت سرمایه‌داران به خواستگاه روستایی خود می‌باشد و میانگین‌های به‌دست آمده بالاتر از سطح متوسط ۳ است؛ به این معنا که هر کدام از موانع یاد شده به‌عنوان مانع مهمی در عدم تمایل سرمایه‌داران باریشه روستایی به سرمایه‌گذاری در روستای اولیه خویش است که از این بین مهم‌ترین عامل وجود فرصت‌های جایگزین و امکانات بیش‌تر در شهر با میانگین (٤/٨٧) بوده است. چراکه در شهرها به دلیل وجود امکانات فراوان از جمله دسترسی به بازارهای تجاری، بهره‌گیری از مشاوره‌های تجاری، دسترسی به خدمات اداری مثل شعب بانک، اتحادیه‌ها و ...، سرمایه‌داران تمایل بیش‌تری به سرمایه‌گذاری در این مکان‌ها هستند. همان‌طورکه بیان شد دسترسی به بازارهای فروش و مراکز تجاری نیز در به فروش رساندن و معرفی محصولات تولید شده بسیار حائز اهمیت است که این امر در شهرها نسبت به روستاها به دلیل آگاهی و امکانات بیش‌تر از نواحی روستایی مورد توجه قرار گرفته که در تحقیق حاضر نیز مشخص شد ضعف نظام اطلاع‌رسانی و بازاریابی در روستا با میانگین (٤/٧٧) به‌عنوان اصلی‌ترین عامل در عدم سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی شناخته شده است.

جدول ۱- ارزیابی سرمایه‌داران در خصوص عوامل موثر بر عدم سرمایه‌گذاری در خواستگاه روستایی با استفاده از آزمون T

Table 1- Evaluation of capitalists regarding the factors affecting the lack of investment in rural housing using the T test

موانع سرمایه‌گذاری	آماره t	سطح معناداری	میانگین	تفاوت از حد مطلوب	ضریب اطمینان ۹۵ درصد	
					کران پایین	کران بالا
تأمین نشدن تمام مواد اولیه در روستا	۱۸/٦۱	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۰/٦٤	۰/۹۱	۱/۳۰
عدم توانایی حمایت مدیران روستایی در فرآیند جذب سرمایه	۱۸/٦٦	۰/۰۰۰	٤/۱۲	۰/۰۲۸	۰/۰۲	۱/٤٤
وجود موانع قانونی در جذب سرمایه به روستا	۱۹/۸٤	۰/۰۰۰	٤/۱۰	۰/۰٦۳	۰/۸۹	۲/۱۹
عدم توجه سیاست‌های توسعه روستا به توسعه صنعت قالیبافی	۱۸/۸۰	۰/۰۰۰	٤/۱٦	۰/٦۸	۰/۲۰	۳/٥٤
عدم شفافیت قوانین در روستا و سلیقه‌ای بودن آن	۲۰/۰۱	۰/۰۰۰	٤/۲٥	۱/۱٦	۰/۳۷	۳/۷۳
نبود نیروی متخصص بازاریاب در روستا	۲۰/۸٤	۰/۰۰۰	۳/۸۷	۱/۰۲	۰/۱۲	۲/٤۳
محدود بودن فضاهای روستایی (عدم یا سخت بودن تغییر کاربری کشاورزی به صنعتی)	۱۷/۹۷	۰/۰۰۰	۳/٥٦	۰/٤۰	-۲/۹٥	۳/۲۸
عدم وجود زیرساخت‌های لازم (راه، ارتباطات و ...)	۲۲/۳۸	۰/۰۰۰	۳/٤۷	۱/۱٤	۰/٦٤	۳/۰۰
نبود وسایل و تجهیزات صنعتی نوین	۱۹/٤۹	۰/۰۰۰	٤/۱۹	۱/۰٤	۰/۷۷	۳/۰۹

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

ادامه جدول ۱- ارزیابی سرمایه‌داران در خصوص عوامل مؤثر بر عدم سرمایه‌گذاری در خواستگاه روستایی با استفاده از آزمون T

Continue of Table 1- Evaluation of capitalists regarding the factors affecting the lack of investment in rural housing using the T test

موانع سرمایه‌گذاری	آماره t	سطح معناداری	میانگین	تفاوت از حد مطلوب	ضریب اطمینان ۹۵ درصد	
					کران پایین	کران بالا
نبود راه‌های مناسب ارتباطی (دسترسی سریع و آسان)	۲۳/۸۷	۰/۰۰۰	۳/۲۰	۰/۴۲	۰/۲۱	۲/۶۱
عدم حضور مشتری در روستا و ناشناخته بودن آن	۲۰/۳۳	۰/۰۰۰	۴/۱۷	۰/۶۲	۰/۲۳	۴/۵۷
روحیه پایین پذیرش ریسک در بین روستاییان	۲۴/۵۶	۰/۰۰۰	۳/۶۹	۰/۴۰	۰/۲۴	۲/۵۸
ناتوانی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش روستایی در ایفای نقش‌های حمایتی	۱۹/۱۴	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۱/۰۶	۰/۰۵	۳/۳۹
ضعف مدیریتی نهادهای متولی قالیبافی	۲۰/۵۳	۰/۰۰۰	۴/۴۷	۰/۴۶	۰/۱۱	۳/۳۲
استفاده نامناسب از بودجه و اعتبارات مرکز فرش در نواحی روستایی	۸/۱۹	۰/۰۰۰	۳/۲۵	۰/۸۰	۰/۲۲	۳/۵۷
وابستگی به تامین مواد اولیه از شهر	۱۹/۷۳	۰/۰۰۰	۳/۳۷	۰/۵۶	۰/۰۱	۲/۳۱
عدم وجود قوانین حمایتی معافیت‌های مالیاتی از سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی و محروم	۲۵/۲۷	۰/۰۰۰	۳/۶۶	۰/۸۵	۰/۰۸	۵/۳۷
دشوار بودن انتقال فناوری به نواحی روستایی دورافتاده	۱۴/۳۵	۰/۰۰۰	۴/۴۷	۰/۵۳	۰/۱۴	۴/۴۶
نبود نظارت بر فرآیند تهیه قالیبافی به‌صورت تخصصی	۱۷/۷۵	۰/۰۰۰	۳/۶۴	۰/۸۳	۰/۱۵	۴/۴
نداشتن یا نامناسب بودن محل‌های نگهداری تولیدات (انبارها و..)	۱۶/۷۷	۰/۰۰۰	۳/۴۷	۰/۷۱	۰/۳۰	۳/۶۲
عدم امکان استفاده از نیروهای مشاور در روستا	۱۵/۹۸	۰/۰۰۰	۳/۸۳	۰/۸۶	۰/۱۱	۲/۴۴
پایین بودن انگیزه پیشرفت و توسعه در بین روستاییان	۱۵/۱۹	۰/۰۰۰	۳/۲۴	۰/۴۳	۰/۰۱۱	۲/۳۴
وجود نگرش‌های موجود در زمینه ناامن بودن محیط سرمایه‌گذاری در روستا	۱۵/۹۰	۰/۰۰۰	۳/۳۱	۰/۳۷	۰/۱۱	۳/۳۹
بالا بودن هزینه‌های حمل‌ونقل مواد اولیه به روستا	۱۴/۵۰	۰/۰۰۰	۳/۴۶	۱/۰۰	۰/۴۰	۲/۶۹
انعطاف‌ناپذیر بودن اقتصاد روستایی	۱۵/۸۷	۰/۰۰۰	۳/۹۹	۱/۰۲۶	۰/۲۶	۵/۵۶
نبود فضای کارگاهی مناسب برای تولید	۱۸/۱۰	۰/۰۰۰	۳/۹۴	۱/۰۶	۰/۰۲	۳/۸۹
مهاجرت به شهرها و کم بود نیروی جوان	۱۹/۹۰	۰/۰۰۰	۳/۵۰۰	۰/۳۱	۰/۱۰	۴/۸۰
تاکید بر اقتصاد تک‌محصولی کشاورزی	۱۹/۸۳	۰/۰۰۰	۳/۴۵	۰/۴۶	۰/۲۱	۳/۱۶
سطح پایین مهارت بافندگان	۱۷/۵۱	۰/۰۰۰	۳/۲۰	۱/۲۳	۰/۱۲	۴/۳۴
دوری از بازارهای فروش	۱۷/۹۷	۰/۰۰۰	۴/۶۹	۱/۷۹	۱/۰۸	۱/۷۸
زمان‌بر بودن فرآیند بافت قالیبافی در روستا	۱۷/۱۹	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۰/۲۴	۰/۰۳	۲/۱۹
کاهش تعداد بافندگان در مناطق روستایی	۱۵/۹۱	۰/۰۰۰	۳/۳۶	۱/۱۹	۰/۵۴	۳/۲۶
وجود روحیات مذهبی در بین روستاییان (قناعت، عدم تلاش برای تولید بیش‌تر)	۱۶/۸۵	۰/۰۰۰	۳/۸۷	۰/۴۰	۰/۰۲	۴/۳۴
بالا بودن سود تسهیلات بانکی	۲۰/۷۶	۰/۰۰۰	۳/۶۹	۰/۸۱	۰/۱۹	۳/۵۰
فقدان تشکل‌ها و تعاونی‌های مردمی و موسسات مردم نهاد	۱۴/۲۷	۰/۰۰۰	۴/۱۸	۱/۰۹	-۱/۹۵	۳/۴۵
پایین بودن درآمد روستاییان و نداشتن سرمایه شخصی	۲۱/۱۶	۰/۰۰۰	۳/۱۴	۰/۷۲	۰/۴۵	۳/۱۰

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

ادامه جدول ۱- ارزیابی سرمایه‌داران در خصوص عوامل موثر بر عدم سرمایه‌گذاری در خواستگاه روستایی با استفاده از آزمون T

Continue of Table 1- Evaluation of capitalists regarding the factors affecting the lack of investment in rural housing using the T test

موانع سرمایه‌گذاری	آماره t	سطح معناداری	میانگین	تفاوت از حد مطلوب	ضریب اطمینان ۹۵ درصد	
					کران پایین	کران بالا
فقدان بیمه قالی‌بافان و عدم تمایل آن‌ها برای انجام کار	۱۹/٤٤	۰/۰۰۰	٤/٦۱	۰/۵۲	۰/۱۲	۳/۲۹
عدم وجود نواحی صنعتی در روستا	۱۹/٤٦	۰/۰۰۰	۳/۰٦	۰/۳۵	۰/۲۰	۲/۲۱
ناکافی بودن آموزش‌ها ارائه شده به روستاییان در خصوص کسب‌وکار	۲۱/۲٦	۰/۰۰۰	٤/۲۵	۰/۲۷	-۰/۰۳	۳/۷۸
ضعف نظام اطلاع‌رسانی و بازاریابی در روستا	۲۰/۱٦	۰/۰۰۰	٤/۷۷	۱/۰٤۹	۰/۲۳	۳/۱٦
بالا بودن هزینه ایجاد اشتغال در روستا	۲۲/۰۲	۰/۰۰۰	۳/۰۰	-۱/۳۵	۰/۳٦	۲/٤۰
فقدان ارتباط مستمر قالیبافان و سرمایه‌گذار	۱۵/۵۳	۰/۰۰۰	۳/۰٦	۰/۸۳	۰/٤۸	۲/۳۹
برخورد نامناسب روستاییان با مشکلات و چالش‌های پیش رو	۱۵/۸۱	۰/۰۰۰	۳/۲٤	۱/۲۳	۰/٦۱	٤/٦۷
دسترسی نامناسب به خدمات اداری صادرات و واردات در روستا	۱۸/۵٦	۰/۰۰۰	۳/٤٦	۱/٦۸	۰/۳۸	٤/٦٤
عدم دسترسی به امکانات تکنولوژی قالیبافی	۱٦/۲۹	۰/۰۰۰	۳/۵٤	۱/۳٦	۰/۱۲	۳/۲
عدم اطمینان از بازگشت سرمایه	۱۹/۱۸	۰/۰۰۰	۳/٦۰	۱/٦٤	-۱/۰٤	۲/۲٤
عدم توانایی رقابت با رقبای شهری	۱٤/۱۲	۰/۰۰۰	٤/٤۵	-۰/۹٤	-۲/۲۵	۲/٤۵
ریسک نقد شدن سرمایه	۲۲/۲۷	۰/۰۰۰	٤/۱۲	۱/۲۱	-۳/۱٦	۳/۵٦
بالا بودن میزان ترس از شکست و عدم تمایل به ریسک در بین روستاییان	۱٦/۳٦	۰/۰۰۰	۳/۲٦	۰/۵۷	۰/۱٤	۳/٤۷
وجود فرصت‌های جایگزین و امکانات بیش‌تر در شهر	۲٤/۱۰	۰/۰۰۰	٤/۸۷	۰/۲۸	-۱/۱۲	٤/۲۸

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد کلیه سطوح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشند، این امر می‌تواند بیانگر وجود چند متغیر در عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در خواستگاه روستایی می‌باشد، به همین دلیل از مدل تحلیل عاملی جهت رسیدن به چند متغیر یا عامل کلی‌تر استفاده می‌شود. در واقع بر آن هستیم متغیرهای تحقیق به تعداد کم‌تری متغیر که عامل نامیده می‌شوند کاهش دهیم. "روش تحلیل عاملی به‌کار رفته روش تجزیه مولفه‌های اصلی نامیده می‌شود و هدف از انجام آن رفع مشکل وابستگی درونی مجموعه‌ای از متغیرها و تلخیص آن‌ها در چند مولفه یا عامل است.

تحلیل عاملی مولفه های موثر بر عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در خواستگاه روستایی

در مرحله انتخاب متغیرها با تشکیل ماتریس همبستگی، متغیرهایی که با هیچ‌یک از متغیرهای دیگر همبستگی ندارند، حذف می‌شوند. یکی از راه‌های وجود همبستگی بین متغیرها مقدار آماره KMO است. همچنین، معناداری متغیرها برای تحلیل عاملی از طریق آزمون بارتلت صورت می‌گیرد. معنادار بودن این آزمون حداقل شرط برای انجام تحلیل عاملی است. با توجه به جدول (٤) نتایج آماره KMO نشان می‌دهد که کفایت مدل در حد متعادلی مورد تائید است (KMO برابر با ۰/۸٤). همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت نیز این مساله را تائید می‌کند (sig <۰/۰۵) لازم به ذکر است که در این تحلیل برای استخراج مولفه‌ها از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و برای دوران عامل‌ها از دوران واریماکس استفاده شد (جدول ۲).

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

جدول ۲- نتایج آزمون KMO و بارتلت

Table 2- KMO and Bartlett test results

۰/۸٤	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	
۸۷٤/۳۲٦	Approx. Chi-Square	Bartlett's Test of Sphericity
۰/۰۰۳	Sig	

در جدول (۳) مقدار ویژه و درصد واریانس و همچنین درصد تجمعی واریانس‌ها نشان داده شده است. ستون اول جمع کل واریانس هر یک از متغیرها می‌باشد و در ستون دوم درصد واریانس‌ها و در انتها نیز درصد تجمعی واریانس‌ها آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در تحلیل عاملی، ۹ عامل دارای مقدار ویژه بیش‌تر از ۱ هستند. همچنین با توجه به درصد تجمعی واریانس‌ها مشاهده می‌شود که در مجموع عوامل اول تا نهم ۷۳/۸۱۵ درصد از کل تغییرات را تبیین می‌کند. در ستون اول عامل‌هایی ارائه شده‌اند که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد ۱ می‌باشند. بلوک سوم نیز به عوامل بعد از دوران مربوط می‌شود. در واقع این بلوک مجموعه مقادیر استخراج شده بعد از چرخش را نشان می‌دهد. مطابق جدول در مجموع ۹ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از ۱ هستند و جمعا ۷۳/۸۱۵ درصد از واریانس مجموعه ۵۰ متغیر یاد شده در خصوص مولفه‌های موثر در عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در خواستگاه روستایی را تبیین می‌کنند. از آنجایی که عامل اول با مقدار ویژه ۳/٦ به تنهایی ۱۷/۳٦ درصد از واریانس را تبیین می‌کند، به‌عنوان مهم‌ترین عامل معرفی می‌گردد.

جدول ۳- عوامل استخراج شده، مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس

Table 3- Extracted factors, eigenvalues, percentage of variance and cumulative percentage of variance

عوامل	مقادیر ویژه			مجموعه مجذورات با عامل قبل از دوران			مجموعه مجذورات با عامل بعد از دوران		
	جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس	جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس	جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
۱	۳/٦٤	۱۷/۳٦۱	۱۷/۳٦۱	۳/٦٤٥	۱۷/۳٦۱	۱۷/۳٦۱	۲/۲۳۱	۱۵/٤۱۳	۱۵/٤۱۳
۲	۳/٥٤۷	۱۲/۲٥٥	۲۹/٦۱٦	۳/٥٤۷	۱۲/۲٥٥	۲۹/٦۱٦	۳/۱۲	۱۲/۸٤۱	۱۸/۲٥٤
۳	۲/۱۹٤	۸/۷۲۱	۳۸/۳۳۲	۲/۱۹٤	۸/۷۲۱	۳۸/۳۳۲	۳/۲٤۷	۱۰/۹٦۹	۳۹/۲۲۳
٤	۱/٦۰۱	۸/۳۱۸	٤٦/٦٥۱	۱/٦۰۱	۸/۳۱۸	٤٦/٦٥۱	۲/۳۹	۹/۱٤	٤۸/۳٦۳
٥	۱/۳٤۸	۷/٥٤۱	٥٤/۱۹۱	۱/۳٤۸	۷/٥٤۱	٥٤/۱۹۱	۱/۰۹	٥/٥۱	٥۳/۸۷۳
٦	۱/۳۲۸	٦/۳٤۱	٦۰/٥۳۲	۱/۳۲۸	٦/۳٤۱	٦۰/٥۳۲	۱/۲۱	٥/۳۱	٥۹/۱۸۰
۷	۱/۱۲٤	٥/۱۰٤	٦٥/٦۳٦	۱/۱۲٤	٥/۱۰٤	٦٥/٦۳٦	۱/۱٥	٥/۲٤	٦٤/٤۲۳
۸	۱/۰٦٥	٥/۰٤٥	۷۰/٦۸۱	۱/۰٦٥	٥/۰٤٥	۷۰/٦۸۱	۱/۱۲	٥/۲۰	٦۹/٦۷٥
۹	۱/۰۲۱	۳/۱۲۹	۷۳/۸۱٥	۱/۰۲۱	۳/۱۲۹	۷۳/۸۱٥	۱/۰۸	٤/۱٤	۷۳/۸۱٥
Extraction Method: Principal Component Analysis.									

در تحلیل عاملی وجه مشترک بین متغیرها با توجه به واریانس مشترک بین آن‌ها شناسایی و عوامل به‌وسیله پژوهشگر نام‌گذاری می‌شوند. جدول زیر ۹ عامل به‌دست آمده از تحلیل عاملی را که دارای مقادیر ویژه بیش‌تر از

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

عدد یک هستند را پس از چرخش نشان می‌دهد. جدول زیر متغیرهای بارگذاری شده در عوامل ۹ گانه را نمایش می‌دهد.

جدول ٤- نام‌گذاری متغیرهای تحقیق

Table 4- Naming of research variables

متغیرها	میزان همبستگی	/شماره عامل/نام عامل/ مقدار ویژه/ درصد واریانس
ضعف نظام اطلاع‌رسانی و بازاریابی در روستا	۰/۸۳	۱) فقدان بازاریابی و دسترسی به بازار فروش مقدار ویژه: ۳/٦٤ درصد واریانس: ۱۷/۳٦
عدم حضور مشتری در روستا و ناشناخته بودن آن	۰/۸۵	
عدم توانایی رقابت با رقبای شهری	۰/۸٤	
نبود نیروی بازاریاب در روستا	۰/۷۹	
دوری از بازارهای فروش	۰/۸۰	
تأمین نشدن کل مواد اولیه در روستا	۰/۷۷	۲) نبود زیرساخت‌های لازم مقدار ویژه: ۳/۵٤ درصد واریانس: ۱۲/۲۵
نداشتن یا نامناسب بودن محل‌های نگهداری تولیدات (انبارها و..)	۰/٦٦	
محدود بودن فضاهای روستایی (عدم یا سخت بودن تغییر کاربری کشاورزی به صنعتی)	۰/۵۷	
عدم وجود زیرساخت‌های لازم (ارتباطات و ...)	۰/۸٤	
نبود وسایل و تجهیزات صنعتی نوین	۰/۷۰	
نبود راه‌های مناسب ارتباطی (دسترسی سریع و آسان)	۰/۸۲	
نبود فضای کارگاهی مناسب برای تولید	۰/۸٦	
عدم وجود نواحی صنعتی در روستا	۰/۸۵	
عدم دسترسی به امکانات تکنولوژی قالیبافی	۰/۸٤	
دشوار بودن انتقال فناوری به نواحی روستایی دورافتاده	۰/٦۷	۳) نبود فناوری پیشرفته در روستا مقدار ویژه: ۲/۱۹ درصد وریانس: ۸/۷۲
نبود نظارت بر فرآیند قالیبافی به صورت تخصصی	۰/۹۱	
عدم توانایی حمایت مدیران روستایی در فرآیند جذب سرمایه‌گذاران	۰/٦٤	٤) موانع نهادی و قانونی مقدار ویژه: ۱/٦۰ درصد واریانس: ۸/۳۱
عدم وجود قوانین حمایتی معافیت‌های مالیاتی از سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی و محروم	۰/۸٤	
ناتوانی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش روستایی در ایفای نقش‌های حمایتی	۰/۸٦	
ضعف مدیریتی نهادهای متولی قالیبافی	۰/۸۰	
استفاده نامناسب از بودجه و اعتبارات مرکز فرش در نواحی روستایی	۰/۸۱	
وجود موانع قانونی در جذب سرمایه به روستا	۰/٦۷	
عدم توجه سیاست‌های توسعه روستا به توسعه صنعت قالیبافی	۰/۸۷	
عدم شفافیت قوانین در روستا و سلیقه‌ای بودن آن	۰/۸۰	

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

ادامه جدول ٤- نام‌گذاری متغیرهای تحقیق

Continue of Table 4- Naming of research variables

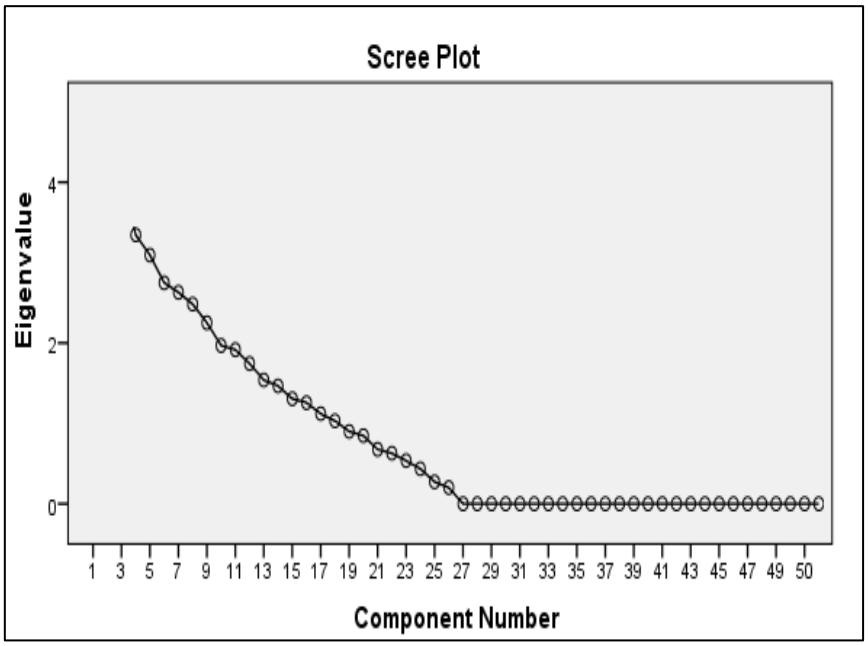
متغیرها	میزان همبستگی	شماره عامل/نام عامل/ مقدار ویژه/ درصد واریانس
بالا بودن میزان ترس از شکست و عدم تمایل به ریسک در بین روستاییان	۰/۷۸	۵) محدودیت‌های فردی روستاییان مقدار ویژه: ۱/۳٤ درصد واریانس: ۷/۵٤
روحیه پایین پذیرش ریسک در بین روستاییان	۰/۷٤	
پایین بودن انگیزه پیشرفت و توسعه در بین روستاییان	۰/۸۳	
برخورد نامناسب روستاییان با مشکلات و چالش‌های پیش رو	۰/۸۱	
وجود روحیات مذهبی در بین روستاییان (قناعت، عدم تلاش برای تولید بیش‌تر)	۰/٤۹	
فقدان بیمه قالی‌بافان و عدم تمایل آن‌ها برای انجام کار	۰/۵۱	
تاکید بر اقتصاد تک‌محصولی کشاورزی	۰/۵۹	
سطح پایین مهارت بافندگان	۰/٦۲	
عدم اطمینان از بازگشت سرمایه	۰/۸۵	٦) ریسک سرمایه‌گذاری در روستا مقدار ویژه: ۱/۳۲ درصد واریانس: ٦/۳٤
پایین بودن درآمد روستاییان و نداشتن سرمایه شخص	۰/۸۹	
ریسک نقد شدن سرمایه	۰/۷۱	
وجود فرصت‌های جایگزین و امکانات بیش‌تر در شهر	۰/٦۷	
بالا بودن سود تسهیلات بانکی	۰/۸۲	
دسترسی نامناسب به خدمات اداری صادرات و واردات در روستا	۰/۷۵	۷) عدم دسترسی به امکانات و خدمات مشاوره‌ای مقدار ویژه: ۱/۱۲ درصد واریانس: ۵/۱۰
عدم امکان استفاده از نیروهای مشاور در روستا	۰/٤۷	
فقدان تشکل‌ها و تعاونی‌های مردمی و مؤسسات مردم‌نهاد	۰/۵۰	
فقدان ارتباط مستمر قالیبافان و سرمایه‌گذار	۰/٦٤	
وجود نگرش‌های موجود در زمینه ناامن بودن محیط سرمایه‌گذاری در روستا	۰/۷۹	۸) موانع اجتماعی مقدار ویژه: ۱/۰٦ درصد واریانس: ۵/۰٤
مهاجرت به شهرها و کم بود نیروی جوان	۰/۸۱	
ناکافی بودن آموزش‌ها ارائه شده به روستاییان در خصوص کسب‌وکار	۰/۷۳	
کاهش تعداد بافندگان در مناطق روستایی	۰/۵٤	
بالا بودن هزینه‌های حمل‌ونقل مواد اولیه به روستا	۰/۷۱	۹) بالابودن هزینه تولید در روستا مقدار ویژه: ۱/۰۲ درصد واریانس: ۳/۱۲
انعطاف‌ناپذیر بودن اقتصاد روستایی	۰/۷۸	
وابستگی به تامین مواد اولیه از شهر	۰/٤۵	
زمان‌بر بودن فرآیند بافت قالیبافی در روستا	۰/۵۹	
بالا بودن هزینه ایجاد اشتغال در روستا	۰/٦۲	

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، مولفه‌های موثر بر عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در محل اولیه روستای زندگی خود دسته‌بندی شد. در این دسته‌بندی «فقدان بازاریابی و دسترسی به بازار فروش» در بین سرمایه‌داران با ۱۷/۳٦٪ از واریانس به‌عنوان مهم‌ترین عامل عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در محل روستای زندگی خویش شناخته شده است. بعد از آن به ترتیب عوامل ۲- «نبود زیرساخت‌های لازم» با ۱۲/۲۵٪ از واریانس، ۳- «نبود فناوری پیشرفته در روستا» با ۸/۷۲٪ واریانس، ٤- «موانع نهادی و قانونی» با ۸/۳۱٪ واریانس، ۵-

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

«محدودیت‌های فردی روستاییان» با ۷/۵٤٪ واریانس، ٦- «ریسک سرمایه‌گذاری در روستا» با ٦/۳٤٪ واریانس، ۷- «عدم دسترسی به امکانات و خدمات مشاوره‌ای» با ۵/۱۰٪ واریانس ۸- «موانع اجتماعی» با ۵/۰٤٪ واریانس و ۹- «بالا بودن هزینه تولید در روستا» با ۳/۱۲٪ واریانس به‌عنوان عوامل و مولفه‌های موثر بر عدم سرمایه‌گذاری در خواستگاه روستایی شناخته شده‌اند.



شکل ۲: نمودار اسکاترپلات

Figure 2: Scatter plot diagram

تحلیل تفاوت میانگین عوامل موثر بر عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در خواستگاه روستایی

در ادامه به‌منظور تحلیل تفاوت میانگین بین عوامل ۹ گانه شناسایی شده موثر بر عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران در خواستگاه روستایی که از با استفاده از تحلیل عاملی استخراج گردید و با توجه به نرمال بودن عوامل پژوهش از آزمون آمار F تک نمونه‌ای استفاده گردیده است؛ بنابراین میانگین محاسبه شده عوامل ۹ گانه با میانگین فرضی ۳ بررسی و محاسبه گردید که مشخص شد میانگین واقعی به‌دست آمده بیش‌تر از ۳ و در حد بالا می‌باشد و با توجه به میزان معناداری که برای مولفه‌ها کم‌تر از ۰/۰۵ است، این ابعاد معنادار و قابل تعمیم به کل جامعه است؛ همچنین حد بالا و پایین تمام عوامل مثبت بوده است؛ بدین معنا که میانگین به‌دست آمده در این عوامل بیش از مقدار مورد آزمون است؛ این نتیجه گویای این است که سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت قالیبافی در خواستگاه اولیه سرمایه‌داران، با مشکلات و موانع زیادی روبه‌رو هستند که از این بین، عامل فقدان بازاریابی و دسترسی به بازار فروش با آماره ۳۸/۱٦ و عامل نبود فناوری پیشرفته در روستا با آماره ۳۹/۲۳ بیش‌ترین میانگین را به‌ترتیب ٤/٦۰ و ٤/۰۳ داشته‌اند.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

جدول ۵– مقایسه تفاوت میانگین عامل‌های شناسایی شده با استفاده از آزمون T-test

Comparison of Table 5- the mean differences of the identified factors using T-test

موانع سرمایه‌گذاری	آماره t	سطح معناداری	میانگین	تفاوت از حدمطلوب	ضریب اطمینان ۹۵ درصد	
					کران پایین	کران بالا
فقدان بازاریابی و دسترسی به بازار فروش	۳۸/۱۶	۰/۰۱	٤/٦۰	۱/۰۲	۰/۱۹	۲/۲۸
نبود زیرساخت‌های لازم	٤۲/۱۹	۰/۰۱	۳/٤۹	۰/٥٦	۰/۱۲	٤/۳
نبود فناوری پیشرفته در روستا	۳۹/۲۳	۰/۰۱	٤/۰۳	۰/۳٦	۰/۷۱	٦/۷۸
موانع نهادی و قانونی	٤۰/٤۲	۰/۰۱	۳/٥٤	۱/۰۲	۰/٦٥	۳/٥٦
محدودیت‌های فردی روستاییان	۳۰/۳٥	۰/۰۱	۳/٥۹	۰/۹۱	۰/۱۷	۲/٤٥
ریسک سرمایه‌گذاری در روستا	۳٤/۰۷	۰/۰۱	۳/۷۱	۰/٤۹	۱/۰۷	٥/۳٥
عدم دسترسی به امکانات و خدمات مشاوره‌ای	۳٤/٤۱	۰/۰۱	۳/٥۳	۰/۲۷	۰/۳۷	۳/۸۹
موانع اجتماعی	٤۰/٦۷	۰/۰۱	۳/٦۹	۱/٥۹	۱/۱۷	۳/۱۲
بالابودن هزینه تولید در روستا	٤۲/۳٥	۰/۰۱	۳/٥۲	۱/٦٤	۱/۱٦	۳/۳۹

نتیجه‌گیری

ارتقای حضور سرمایه‌گذاران در صنعت قالیبافی روستایی از آن حیث که در جهت توسعه پایدار نواحی روستایی و افزایش اشتغال‌زایی است، اهمیت بسیاری دارد. حرفه قالیبافی در نواحی روستایی که از دیرباز و به گونه سنتی در تولیدات اقتصادی خانواده وجود داشته، به‌عنوان کمک خرج خانوار در تأمین هزینه‌ها و درآمد خانواده به شمار می‌رفته است. نواحی روستایی استان خراسان رضوی و به خصوص شهرستان مشهد به لحاظ این‌که سکونتگاه‌های روستایی آن از قدمت بالایی برخوردارند، بسیاری از هنرها و حرفه‌های سنتی قدیمی خود را همانند قالیبافی حفظ کرده‌اند؛ اما با توجه به نقش مهمی که این حرفه در درآمد خانوار روستایی و در اقتصاد ملی دارد، همواره با مسائل و مشکلاتی روبرو است که مانع از ادامه فعالیت آن در روستاها می‌شود. لذا، این پژوهش با هدف شناسایی مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری سرمایه‌دارانی که دارای خواستگاه روستایی هستند انجام شده است. بسیاری از سرمایه‌داران قالیباف که در زمینه حرفه و صنعت قالیبافی مشغول به فعالیت هستند حاضر به سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی محل زندگی خویش نیستند. همان‌طور که اشاره شد سرمایه‌گذاران در صنعت قالیبافی روستایی در شهرستان مشهد با ۹ چالش عمده مواجه می‌باشند که این امر باعث شده سرمایه‌های خود را در شهر متمرکز کنند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که فقدان بازاریابی و دسترسی به بازار فروش فرش از مهم‌ترین موانع عدم بازگشت سرمایه‌داران به خواستگاه روستایی است. چراکه تولیدکنندگان در صورتی به بازار دست‌فروش دسترسی نداشته باشند نمی‌توانند کالاهای تولید شده خود را به‌طور سریع و کم‌هزینه به بازار عرضه نمایند و این عامل درصد زیادی از عدم بازگشت سرمایه‌داران این حرفه به خواستگاه اصلی روستایی خود شده است. عامل بعد که در این زمینه شناسایی شد، نبود زیرساخت‌های لازم به‌منظور تولید انبوه و موردنیاز بازار بود. با توجه به اینکه به‌منظور توسعه هر کسب‌وکاری زیرساخت‌ها و پایه‌های اولیه‌ای لازم است و نبود این زیرساخت‌ها مانعی برای توسعه محسوب می‌شود. از جمله این موارد در قالیبافی می‌توان به نامناسب بودن محل‌های نگهداری تولیدات (انبارها و..)،

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

نبود ارتباطات، نبود وسایل و تجهیزات صنعتی نوین، نبود راه‌های مناسب ارتباطی، نبود فضای کارگاهی مناسب برای تولید و ... اشاره کرد. عوامل فوق سبب شده است که صنعت قالیبافی روستاهای مورد مطالعه در سطح خرد و محدود باشد و قابلیت رقابت با همتایان شهری را نداشته باشند. نبود فناوری پیشرفته در روستا نیز به‌عنوان سومین عامل مهم در عدم بازگشت سرمایه‌داران در روستا می‌باشد که می‌توان به دشوار بودن انتقال فناوری به روستا و نبود نیروهای متخصص به لحاظ نظارت بر فرآیند تولید قالیبافی اشاره داشت. با توجه به این‌که امروزه به سرعت در تولید باکیفیت محصولات نقش بارزی در افزایش رضایتمندی مشتریان خواهد داشت، لذا توجه به فناوری نوین و جدید در این زمینه از ضروریات به شمار می‌رود. عوامل نهادی و قانونی علاوه بر اینکه در بسیاری از موارد باعث هموار شدن پیشرفت و توسعه می‌شود، در برخی مواقع سبب کند شدن روند توسعه و تعریف قوانین دست و پاگیر می‌شود که فعالیت‌های توسعه‌ای را به‌طور جدی با چالش روبه‌رو می‌کند. از جمله مهم‌ترین موانع قانونی که در زمینه موضوع پژوهش به آن رسیدیم می‌توان به عدم حمایت مدیران روستایی، عدم وجود قوانین حمایتی، نبود معافیت‌های مالیاتی از سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی و محروم، ناتوانی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش روستایی در ایفای نقش‌های حمایتی، ضعف مدیریتی نهادهای متولی قالیبافی، استفاده نامناسب از بودجه و اعتبارات مرکز فرش در نواحی روستایی و .... اشاره کرد. سایر عوامل نیز هر کدام درصدی از عوامل موثر بر عدم بازگشت سرمایه‌داران به خواستگاه اولیه خود را باعث شده‌اند که از درجه اهمیت کم‌تری نسبت به موارد یاد شده برخوردارند. این تحقیق از نظر نتایج به‌دست آمده با پژوهش‌های Waqabaca (2004)، Dixit & Pindyck (1994)، Caballero (1991)، Wagner (2005)، Morrissey & Udomkerdmongkol (2001) در زمینه موانع شناسایی شده موجود مطابقت و همسویی دارد.

با توجه به مشکلات پیش روی سرمایه‌گذاری در این صنعت موارد زیر پیشنهاد می‌گردد

- ایجاد بازارهای فروش فرش روستایی در این نواحی به‌منظور افزایش درآمد و دسترسی بی‌واسطه به مشتری و همچنین استفاده از نیروهای بازاریاب و تبلیغات و اطلاع‌رسانی در شهر؛
- توسعه زیرساخت‌های لازم جهت رونق این صنعت از طریق فراهم کردن مواد اولیه تولید توسط دولت، ساخت فضاهای کارگاهی در روستا، توسعه کارگاه‌های خانگی، ساخت انبار مجهز جهت نگهداری، بهبود راه‌های ارتباطی، فراهم آوری وسایل و تجهیزات نوین این صنعت.
- حمایت دولت از قالیبافان روستایی از طریق بیمه، ارائه تسهیلات لازم از طریق پرداخت وام اشتغال‌زایی با سود کم، فراهم کردن امکاناتی جهت صادرات تولیدات به سایر کشورها، ساماندهی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش روستایی در ایفای نقش‌های حمایتی، رفع موانع قانونی همچون مالیات و ...
- توسعه ترویج و آموزش به‌منظور افزایش کیفیت فرش بافته شده و همچنین به اشتراک‌گذاری تجربیات موفق در این راستا.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

References

- Abdel-Rahman, A. M. M., (2012), "The determinants of FDI in the kingdom of Saudi Arabi", ***King Saudi University***, 38 (3): 1- 21.
- Abrell, J., Rausch, S., (2016), "Cross-country electricity trade, renewable energy and European transmission infrastructure policy", ***Journal Of Environmental Economics and Management***, 79 (1): 87-113.
- Almasi, M., Gharehbaba, S., (2009), "Study on the relationship between investment on human resource and physical capital with economic growth in Iran (1971-2005)", ***IRPHE***, 15 (3): 157-184. [In Persian].
- Amanian Beidokhti, P., Sadeghinia, S., (2015), "The role of rural cooperatives in generating income and increasing investment in the field of handicrafts (Case study: handmade carpet cooperatives in Khorasan Razavi province)", ***Journal Of Rural Research And Planning***, 4 (3): 101-113. [In Persian].
- Ann Berman, K., (2006), "Carpet weavers and weaving in the global market: the case of Turkey, Phd thesis, Faculty of the Graduate, School Of Cornell University.
- Babel, S., Gupta, P., (2006), "Constraints in the economic development of women handloom weavers of Rajasthan, 2nd National Extension Education Congress on Technology Application for Extension, Education", Held at MPUAT, University in Udaipur (Rajasthan), 22-24 May, 2006, India: delhi.
- Banga, R., (2009), "Impact of government policies and investment agreements on FDI inflows", ***Indian Council For Research On International Economic Relationship (ICRIER)***, 1: 31-56.
- Barnett, J., Evans, L. S., Gross, C., Kiem, A. S., Kingsford, R. T., Palutikof, J. P., Smithers, S. G., (2015), "From barriers to limits to climate change adaptation: Path dependency and the speed of change", ***Ecology And Society***, 20 (3): 1-5
- Baum, A., Claudia, M., (2010), "Understanding the barriers to real estate investment in developing economies", ***Working Papers In Real Estate & Planning***, 11 (3): 1-26.
- Beck, T., (2002), "Financial development and international trade: Is there a link"?, ***Journal of international Economics***, 57 (1): 107-131.
- Bettignies, J. E., Brander, J. A., (2007), "Financing entrepreneurship: Bank finance versus venture capital", ***Journal Of Business Venturing***, 22 (6): 808-832.
- Blonigen, B. A., (2005), "A review of the empirical literature on FDI determinants", ***Atlantic Economic Journal***, 33 (4): 383-403.
- Caballero, R. J., (1991), "On the sign of the investment-uncertainty relationship", ***The American Economic Review***, 81 (2): 279-288.
- Chambers, R., (1997), "Responsible well-being: A personal agenda for development", ***World Development***, 25 (11): 1743-1754.
- Cortés-Jiménez, I., Pulina, M., (2006), "***A further step into the ELGH and TLGH for Spain and Italy***", (September 2006). FEEM Working Paper No. 118.06, Available at SSRN: [on line]: https://ssrn.com/abstract=932509 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.932509.
- Cuyvers, L., Soeng, R., Plasmans, J., Van Den Bulcke, D., (2011), "Determinants of foreign direct investment in Cambodia", ***Journal Of Asian Economics***, 22 (3): 222-234.
- Dawson, J. W., (2006), "Regulation investment and growth across country", ***Cato Journal,*** 26 **(**3): 489-509.
- Dixit, A. K., Pindyck, R. S., (1994), "Investment under uncertainty", ***Princeton university press***, 97 (3): 25-34.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

- Dunning, J. H., Lundan, S. M., (2008), "***Multinational enterprises and the global economy***", Edward Elgar Publishing: London.
- Edmiston, K. D., Gillett-Fisher, M. C., (2006), "Financial education at the workplace", ***Community Affairs***, 4 (2): 6-22.
- Ehlers, E., (1998), "Capitalism, exploitation and urban development in the Islamic East (Iranian example), translated by Abbas Saeedi", ***Journal of Earth Sciences***, 2 (1): 20-45. [In Persian].
- Fan, S., Cho, E. E., Rue, C., (2018), "Returns to public agricultural and rural investments in China", ***China Agricultural Economic Review***, 10 (2): 215-223.
- Ferrando, A., Ruggieri, A., (2018), "Financial constraints and productivity: Evidence from euro area companies", ***International Journal Of Finance & Economics***, 23 (3): 257-282.
- Ghali, K. H., (1998), "Public investment and private capital formation in a vector error-correction model of growth", ***Applied economics***, 30 (6): 837-844.
- Qasemi Ardhai, A., Thawabi, H., (2019), "Motivations and effects of return migration on socio-economic developments and development of villages (Case study of Ahar city)", ***Geographical Space***, 67 (19): 199-215. [In Persian].
- Varsakelis, D., Karagianni, S., Saraidaris, A., (2011), "Equilibrium conditions in corporate tax competition and foreign direct investment flows", ***Economic Modelling***, 28 (1-2): 13-21.
- Hu, J., Harmsen, R., Crijns, W., Ernst Worrell, G., (2018), "Barriers to investment in utility-scale variable renewable electricity (VRE) generation projects", ***Renewable Energy***, 121 (1): 730-744.
- Jadhav, Sh., (2015), "Indian handicrafts: Growing or depleting? I*OSR"*, ***Journal of Business and Management***, 2 (1): 7-13.
- Marouane, A., Nicet-Chenaf, D., Rougier, E., (2008), "The law of growth and attraction: An endogenous model of absorptive capacities", FDI and income for MENA countries (No. 2008-27), Groupe de recherche en economie théorique et appliquée (GREThA), International Monetary Fund.
- Mattingly, M., (2001), "***Spatial planning for urban infrastructure investment: a guide to training and practice***", University College London: London, UK.
- Montague, A., (2012), "***Review of the barriers to institutional investment in private rented homes***, Department for Communities and Local Government pub: London.
- Moosa, I., (2002), "***Foreign direct investment: Theory***, ***evidence and practice***", Springer: Berlin.
- Morrissey, O., Udomkerdmongkol, M., (2012), "Governance, private investment and foreign direct investment in developing countries", ***World Development***, 40 (3): 437-445.
- Nelsen, J., Scoble, M., Ostry, A., (2010), "Sustainable socio-economic development in mining communities: North-central British Columbia perspectives", ***Environ***, 24 (2): 163-179.
- Poirson, H., (1998), "Economic security, private investment and growth in developing countries", IMF Working Paper WP/9814.
- Poorfathi, J., Ashri Imam. A., (2010), "Analysis of spatial inequality in rural settlements of Ahar city", ***Geographical Space***, 32 (10): 95-116. [In Persian].
- Rahnamaei, M., (1994), "Government and urbanism. A critique of the theory of ancient urban elements and the capitalism of exploitation by Hans Bobek", ***Journal of Geographical Research***, 32 (9): 17-26. [In Persian].

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]

- Ryser, L., Halseth, G., Markey, S., Gunton, C., Argent, N., (2019), "Path dependency or investing in place: understanding the changing conditions for rural resource regions", ***The Extractive Industries and Society***, 6 (1): 29-40.
- Saeedi, A., Makaniki, J., (2008), "The transformation of urban-rural relations with emphasis on economic activities", ***Geography (Iranian Geographical Association)***, 17-16: 1-16. [In Persian].
- Seruvatu, E., Jayaraman, T. K., (2001), "***Determinants of private investment in Fiji, Reserve Bank of Fiji***, Suva: Fiji.
- UNDESA, U., (2011), "The Transition to a Green Economy: Benefits, Challenges and risks from a sustainable development perspective", United Nations Environment Programme, United Nations Department of Economic and Social Affairs (UN-DESA).
- Vafa, M., Memarzadeh Tehran, G., (2014), "A study of barriers to the development of infrastructure investment in the country", ***Journal Of Quantitative Studies In Management***, 5 (2): 1-14. [In Persian].
- Wacziarg, R., Horn Welch, K., (2008), "Trade liberalization and growth: New evidence", ***The World Bank Economic Review***, 22 (2): 187-231,
- Wagner, A., (2005), "Government size and economic growth department of economics", Department of Economics, University of Victoria, Report.
- Waqabaca, C., (2004), "Financial development and economic growth in Fiji", Working Paper", Economics Department, Reserve Bank of Fiji. 2004/03.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1401.22.77.3.0]